

نقش تحصیلات والدین در پیشرفت تحصیلی فرزندان

عبدالمالک مجددی^۱ | محمدحیدر یعقوبی^۲

چکیده

پیشرفت تحصیلی یکی از موضوعات مهم در سیستم‌های تعلیم و تربیت کل دنیا است و رویکردها و دیدگاه‌های خاص خود را دارد. در این زمینه، محققین از زوایای مختلف به این مسئله پرداخته‌اند و حتی بعضی از آنان پیشرفت تحصیلی و حل مشکلات آموزشی را شرط اصلی توسعه در یک کشور می‌دانند. پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان از جمله موضوعاتی است که از زاویه روان‌شناسی تربیتی هم به آن بسیار پرداخته شده است. شناسایی مواردی که در پیشرفت تحصیلی نقش دارد، بسیار مهم و ضروری است، بر همین اساس یکی از موضوعات مهم در حوزه آموزش و پرورش سطح سواد یا تحصیل کردگی والدین بوده که باعث توانایی فرزندان در حوزه آموزش می‌شود. این پژوهش از روش مروری و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و نظرات دانشمندان تدوین شده است. هدف کلی این تحقیق، دستیابی به ارتباط و مقایسه تأثیر سطح سواد والدین با ایجاد زمینه‌ای برای پیشرفت تحصیلی شاگردان است و همچنین اطلاع از اینکه تأثیر میزان سواد کدامیک از والدین، بر پیشرفت تحصیلی فرزندان بیشتر است. نتایج نشان می‌دهد که سطح سواد پدر در این زمینه اثر قطعی دارد، ولی سطح سواد مادر نیز در موفقیت یا شکست فرزندان بی‌تأثیر نیست. در این تحقیق اثر قطعی تأثیر سطح سواد والدین بر پیشرفت تحصیلی، افت تحصیلی، مشکلات رفتاری و مشکلات تحصیلی فرزندان مسجل است.

کلیدواژه‌ها: نقش سواد والدین، والدین تحصیل کرده، فرزندان، پیشرفت تحصیلی، افت تحصیلی.

۱. ماستری مدیریت آموزشی، دانشکده علوم انسانی، جامعه المصطفی العالمیه (نمایندگی افغانستان)، کابل، افغانستان.

۲. دکترای برنامه‌ریزی درسی، عضو هیئت‌علمی جامعه المصطفی العالمیه (نمایندگی افغانستان)، کابل، افغانستان.

مقدمه

نیاز به پیشرفت یکی از نخستین انگیزه‌هایی است که در هر فرد وجود دارد و همه می‌خواهند که این نیاز کامل شود. موفقیت شاگردان در امور تحصیلی، به میزان علاقه آن‌ها بستگی دارد. شاگردان با انگیزه، در مکتب و صنف، مشارکت بیشتری دارند و علاقه و انگیزش بیشتری از خود نشان می‌دهند. «پیشرفت یا موفقیت تحصیلی، معلومات یا مهارت‌های اکتسابی عمومی یا خصوصی در موضوعات درسی است که معمولاً به وسیله آزمایش‌ها و نشانه‌ها یا هردو که معلمان برای شاگردان وضع می‌کنند، اندازه‌گیری می‌شود». پیشرفت تحصیلی؛ یعنی اینکه فراگیران تا چه حد در رسیدن به اهداف دوره آموزش موفق بوده‌اند. مخالف آن افت تحصیلی است که از معضلات و مشکلات نظام است. از جمله مسائل که در آموزش و پرورش هر کشور مورد ارزیابی و بررسی دقیق قرار می‌گیرد، مسئله پیشرفت و افت تحصیلی و عوامل شکست و پیروزی شاگردان است که با بررسی‌هایی که از زوایای مختلف انجام می‌گیرد، علل آن را پیدا کرده و در جهت رفع نقاط ضعف و تقویت نقاط مثبت آن برنامه‌ریزی می‌نمایند.

نظر به اهمیت تحصیلات و نقشی که والدین می‌توانند در پیشرفت آموزشی فرزندان خود داشته باشند و راهنمای ایشان در مسائل آموزشی باشند، اکنون این سوال مطرح می‌شود که آیا تحصیلات والدین می‌تواند به عنوان عامل اثر گذارنده روی پیشرفت تحصیلی فرزندان مؤثر باشد یا نه؟ گروهی از صاحب نظران علوم تربیتی، معتقدند که عامل بی‌سوادی به عنوان یک مانع بازدارنده در تمام مقوله‌های اجتماعی، دخیل است. والدین بی‌سوادی معمولاً کمتر به مسئله پیشرفت تحصیلی فرزندان خود فکر می‌کنند و فقدان انگیزه مانع پیشرفت تحصیلی می‌شود. سطح تحصیلات و فرهنگ خانواده همانند سایر عوامل در پیشرفت تحصیلی به اشکال مختلف یا افت تحصیلی تأثیر دارد. پایین بودن سطح تحصیلات و فرهنگ خانواده، موجب می‌شود که والدین نتوانند فرزندان خود را یاری کنند و همچنین باعث می‌شود که والدین در خانه از روزنامه، مجلات و... کمتری استفاده کنند. بچه‌های چنین خانواده‌هایی در کمبود و



محدودیت به سر می‌برند. در کل چنین خانواده‌هایی، نمی‌توانند باورها و نگرش‌های لازم را به فرزندان‌شان برای ادامه تحصیل ایجاد نمایند.

۱. پیشرفت تحصیلی

در زمینه پیشرفت تحصیلی تعاریف گوناگونی وجود دارد که در ادامه به آن پرداخته شده است: «پیشرفت تحصیلی عبارت است از موفقیت شاگردان در یک یا چند موضوع درسی (مثل درک، فهم خواندن یا محاسبه عددی)، چنین پیشرفت‌هایی توسط آزمودن‌های میزان شده تحصیلی اندازه‌گیری می‌شود. همچنین این اصطلاح بر پیشرفت فرد در صنف، آن‌طور که در کار مکتب ارزیابی می‌شود، دلالت دارد». (کاشفی، ۱۳۹۱: ۴۹) «پیشرفت تحصیلی به جلوه‌ای (نمایی) از جایگاه تحصیلی شاگردان اشاره دارد که این جلوه ممکن است بیانگر نمره‌ای برای یک دوره، میانگین نمرات در دوره‌ای مربوط به یک موضوع یا میانگین نمرات دوره‌های مختلف باشد. برای پیشرفت تحصیلی می‌توان ملاک‌های گوناگون را در نظر گرفت که مشهورترین آن‌ها میانگین نمرات است». (جمشید زهی، ۱۳۹۸: ۳۸۲)

پیشرفت تحصیلی عبارت است از «مسئول‌نهایی فرآیند یادگیری فعال که با کمک آموزش فعالیت‌های تربیتی انجام می‌گیرد.» (گیج و برلایندر، ۱۳۷۴: ۴۵) همچنین «سرعتی که شاگرد در تکمیل پایه‌ها و درجات گوناگون دارد و برحسب مقدار پیش افتادگی و سرعت یا عقب‌ماندگی وی اندازه‌گیری می‌شود». (بیابانگرد، ۱۳۷۸: ۲۳) از پیشرفت تحصیلی به‌عنوان یکی از معیارهای پیشرفت و توسعه در سیستم آموزش و پرورش یا «مفهوم انجام تکالیف و موفقیت شاگردان در گذراندن دروس یک‌پایه تحصیلی مشخص» یا «موفقیت شاگردان در امر یادگیری مطالب درسی» استفاده می‌شود. اُفت تحصیلی وجه مخالف آن است که یکی از مشکلات و معضلات سیستم آموزشی است که به شیوه‌های گوناگون همچون «عدم موفقیت شاگردان در دستیابی به هدف‌های مقاطع تحصیلی مربوطه، مردودی و تکرار پایه‌های تحصیلی، ترک تحصیل زودرس، بیکاری و بلا تکلیفی خود را نشان

می‌دهد». (پورشافعی، ۱۳۷۰: ۱۲) پیشرفت تحصیلی عبارت است از: «معلومات یا مهارت اکتسابی عمومی یا خصوصی در موضوعات درسی که معمولاً آزمایش‌ها یا نشانه‌هایی را که معلمان یا شاگردان وضع می‌کنند، اندازه‌گیری می‌شود».

پس با توجه به تعاریف فوق می‌توان گفت که پیشرفت تحصیلی، اصطلاحی است که به مقداری یادگیری و معلومات به دست آمده در فرایند یادگیری که توسط امتحان‌های پیشرفت تحصیلی موردسنجش و آموزش قرار گرفته است، اشاره دارد. نهایتاً بر اساس میزان پیشرفت حاصل شده می‌توان به قضاوت و تصمیم‌گیری پرداخت.

۲. ماهیت پیشرفت تحصیلی

پیشرفت تحصیلی شاگردان در مقاطع مختلف رشد جسمی، روانی و اجتماعی نیازمند داشتن نگرش مثبت به رشته تحصیلی و انگیزه‌های قوی است. نگرش به رشته تحصیلی ظاهراً یک امر فردی محسوب می‌شود؛ زیرا این تصور وجود دارد که هر شاگردی با توجه به شخصیت خود و تمایلات و علاقه‌مندی و خصوصیاتش، دارای برخی نگرش‌ها است در صورتی که نگرش تحصیلی از دیدگاه علم روان‌شناسی، اجتماعی و جامعه‌شناسی علاوه بر فردی بودنش، دارای بعد اجتماعی گسترده از جمله محیط، اطرافیان، پدر و مادر و معلم سایر افراد گروه‌هایی که شاگرد با آن‌ها به نحوی برخورد دارند که در ایجاد و پرورش و تحکیم نگرش‌های مثبت یا منفی به رشته تحصیلی وی مؤثرند. «پیشرفت تحصیلی شاگردان یکی از شاخص‌های مهم در ارزشیابی آموزش و پرورش است و تمام کوشش‌ها در این نظام در واقع تلاش برای جامعه عمل پوشاندن بدین امر تلقی می‌شود. به‌طور اعم کل جامعه و به‌طور اخص نظام آموزش و پرورش نسبت به سرنوشت کودکان، رشد و تکامل موفقیت‌آمیز آنان جایگاه آن‌ها در جامعه علاقه‌مند و نگران است و انتظار دارد شاگردان در جوانب گوناگون، اعم از ابعاد شناختی و کسب مهارت و توانایی‌ها و نیز در ابعاد عاطفی و شخصیتی، آن‌چنان‌که باید پیشرفت و تعالی یابند». (پورشافعی، ۱۳۷۰: ۱۳)



بدون تردید یکی از علایم موفقیت شاگردان در دنیای پیشرفته و مدرن امروزی، موضوع پیشرفت تحصیلی است که بدون آن توسعه و انکشاف هیچ کشوری امکان پذیر نخواهد بود. انکشاف و پیشرفت هر کشوری رابطه مستقیم با میزان پیشرفت ساینس، دانش و تکنولوژی آن کشور دارد و پیشرفت علمی هم در هیچ کشوری حاصل نمی‌شود، مگر اینکه افراد خلاق و نوآور در آن سیستم تربیت شده باشند. «پیشرفت تحصیلی ضمن اینکه در توسعه و آبادانی کشور مؤثر است، در سطوح عالی منجر به یافتن شغل و موقعیت مناسب و در نتیجه درآمد کافی می‌شود. شاگردان و دانشجوین که از موقعیت‌های تحصیلی برخوردارند، خانواده و جامعه با دیده احترام به آنان می‌نگرند. در جامعه با روحیه و نشاط بیشتری حضور خواهند یافت و در کنار این‌ها از هزینه‌های اضافی که از افت تحصیلی بر آموزش و پرورش تحمیل می‌شود، کاسته خواهد شد. دستیابی به بهره‌وری و بهبود کیفیت نظام آموزشی را می‌توان اثرگذارترین عامل در توسعه کشورها دانست.

تجارب کشورهای پیشرفته‌ای چون جاپان در زمینه توسعه همه‌جانبه نیز حکایت از سرمایه‌گذاری بر روی منابع آموزشی و انسانی دارد. در راستای دستیابی به این اهداف، بهبود کیفیت موقعیت تحصیلی از جمله اهداف اساسی برنامه‌های آموزشی است. در حالی که امروزه افت تحصیلی یکی از نگرانی‌های خانواده‌ها و متصدیان تعلیم و تربیت است. از جمله موضوعات مورد علاقه صاحب‌نظران علوم تربیتی یافتن شرایط و امکانات لازم و مؤثر در جهت تحصیلی موفق و پیشرفت تحصیلی است؛ اما عدم موفقیت در تحصیل زمینه‌ساز مشکلات فردی و اجتماعی و انحراف از دستیابی به اهداف سیستم آموزش است. محققین عوامل مختلفی را در پیشرفت تحصیلی شاگردان دخیل دانسته‌اند؛ اما با توجه به تفاوت‌های فرهنگی و تغییرات سریع عوامل در طول زمان نمی‌توان به‌عنوان یک قانون عمومی و کلی، علل خاصی را برای جوامع مطرح نمود؛ زیرا قوانین بافت فرهنگی و نسبت جامعه، نگرش مردم به تحصیلات، سطح درآمد والدین و غیره، همه از عواملی هستند که به‌طور اخص در یک جامعه بر شکست یا موفقیت تحصیلی تأثیر می‌گذارند. منابع موجود نشان می‌دهد که آموزش

به‌طورکلی تحت تأثیر پنج عامل فراگیر، آموزش‌دهنده، برنامه، تجهیزات و محیط آموزشی است که هر یک از عوامل مذکور دارای ویژگی‌هایی است که می‌توانند در پیشرفت تحصیلی و یادگیری تأثیرات متفاوتی داشته باشند». (سیف، ۱۳۷۳: ۹)

از سوی «هر فرد برای ورود به اجتماع و در نتیجه رویارویی با موقعیت‌های گوناگون و افراد مختلف (از نظر فرهنگی، اقتصادی) به پاره‌ای از ابزار مجهز شده است. این ابزارهای فردی را می‌توان ساختارهای روانی فرد دانست که می‌توانند او را در مقابله با رویدادهای زندگی یاری رسانند، این ساختارهای روانی به‌طور متقابل تحت تأثیر عوامل مختلفی مانند خانواده، اجتماع، گروه همسالان و غیره قرار دارد از سوی آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به همین دلیل محققان همواره به تأثیرات این مؤلفه‌های روانی بر جنبه‌های گوناگون زندگی افراد توجه بسیاری کرده‌اند که از این میان به تأثیر این مؤلفه‌ها بر عملکرد شغلی، تحصیلی و اجتماعی اشاره کرد» (Wilson & Tran, ۲۰۰۷: ۵۱۲)

در این میان «پیشرفت تحصیلی بیشتر از سایر متغیرها موردتوجه روانشناسان قرار گرفته است؛ زیرا به نظر می‌رسد آنچه می‌تواند یک فرد، خانواده در نهایت یک کشور را در مسیر پیشرفت، بیش از همه یاری دهد، بهره‌مندی از افرادی است که نه تنها دارای سلامت روانی مناسبی هستند، بلکه در امر آموزش نیز تحصیلات خود را با موفقیت پشت سر گذاشته‌اند، آگاهی از جنبه‌های روانی شاگردان می‌تواند همانند یک ابزار کمک آموزشی قدرتمند عمل کند. برای نمونه فهمیدن این نکته که شاگرد در شرایطی خاص چگونه رفتار می‌کند، می‌تواند منجر به افزایش تأثیرگذاری ابزارهای آموزشی و همچنین روش‌های آموزشی معلم و سیستم آموزشی و پرورش و در نهایت پیشرفت تحصیلی شاگردان گردد». (ادری، ۲۰۰۶: ۲۶)

پیشرفت تحصیلی از جمله موضوعاتی است که از ابعاد تربیتی، روان‌شناسی به آن بسیار پرداخته شده است. «یافته‌های تحقیقات متعدد نشان داده که پیشرفت تحصیلی نه تنها از ساختارهای دانش و فرایندهای پردازش اطلاعات تأثیر می‌پذیرد، بلکه به عوامل انگیزشی از جمله باورها، نگرش‌ها و ارزش‌ها نیز مربوط می‌شود.



سال‌های متمادی است که محققان و پژوهشگران تعلیم و تربیت و روانشناسان اجتماعی، مطالعات فراوانی در مورد عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی شاگردان انجام داده‌اند. پیشرفت موضوعی است که به‌خصوص در حال حاضر نیز مورد توجه تمامی کشورهای جهان بوده است و هر ساله مقدار زیادی از بودجه جوامع صرف تحصیل کودکان و نوجوانان می‌شود و پژوهش‌های زیادی به بررسی عوامل مختلفی که می‌تواند بر پیشرفت تحصیلی تأثیر داشته باشد، عواملی مانند خانواده، محیط زندگی، مدرسه و برنامه‌های آموزشی اختصاص یافته است». (مجیدیان، ۱۳۸۴: ۳۲)

موضوع پیشرفت تحصیلی و چالش‌های مربوط به آن یکی از مسائل اصلی سیستم‌های تعلیم و تربیه کشورهای دنیا است؛ زیرا تمامی اعضای تصمیم‌گیرندگان سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در سراسر دنیا توسعه (انکشاف) و پیشرفت را در توسعه و پیشرفت سیستم آموزشی می‌دانند و این توسعه و انکشاف از طریق مسئله پیشرفت تحصیلی شاگردان در مکاتب و صنوف درسی عملیاتی می‌گردد. موضوعاتی مانند انواع اضطراب‌های تحصیلی، تنش‌های روانی، مشکلات و ترس‌های یک شاگرد می‌تواند در عدم پیشرفت تحصیلی او نقش داشته باشد که بعضی از این مسائل، از مکتب به فرد عارض شده است و بعضی دیگر، از محیط‌های خانوادگی و اجتماعی در او به وجود آمده است. یکی از مسائل فوق، اضطراب امتحان است. سارامون و دیویدمن اضطراب امتحان را این‌گونه تعریف می‌کنند: نوعی خوداشتغالی ذهنی است که با خودکم‌انگاری و تردید درباره توانایی‌های خود بروز پیدا کرده و اکثراً به ارزیابی شناختی منفی، عدم تمرکز حواس، واکنش‌های جهانی نامطلوب و افت تحصیلی منجر می‌گردد.

مطالعه در زمینه نگرش به رشته تحصیلی و نقش آن در پیشرفت تحصیلی با تحقیقات ایکن آغاز شد. (ایکن و درگر ۱۹۶۱) یافته‌های این پژوهش نشان داد که نگرش به رشته تحصیلی سازهای مشتمل بر چند بعد شامل لذت بردن از درگیر شدن در تکالیف - چه در تجارب تحصیلی و چه در زندگی روزمره - باورهای فرد در مورد ارزش و اهمیت درس و میزان ترس از رویارویی با موقعیت‌هایی است که

مستلزم به آمارگیری آن درس است. (ایکن و درگر، ۱۹۶۱: ۶۵)

تحقیقات و پژوهش‌های زیادی، نشان می‌دهد که «عملکرد تحصیلی شاگردان و فعالیت‌های مرتبط با آن در دوره مکتب، از پیشرفت چندانی برخوردار نیست و شاگردان مستعد از توانایی‌های خود، به خوبی استفاده نمی‌کنند. شاگردان اکثراً روحیه علمی و انگیزه کافی ندارند و از امکانات آموزشی، استفاده مطلوب و مناسب صورت نمی‌گیرد و معمولاً به جای توجه به ارتقای سطح علمی خود، به ارتقای سطح تحصیلی (اخذ مدارج بالاتر) می‌اندیشند». (نظری کتولی، ۱۳۸۴: ۳۳)

با توجه به نقش تعیین کننده نگرش تحصیلی شاگردان در عملکرد و موفقیت تحصیلی آنان، لازم است که مسئله نگرش، به عنوان عاملی مؤثر بر موفقیت تحصیلی مدنظر قرار گیرد. همچنین این امر سبب می‌شود که مشاوران در امر مشاوره تحصیلی و شغلی شاگردان، بهتر و آگاهانه‌تر عمل کنند. به علاوه شاگردان برای انتخاب رشته تحصیلی در اواخر دوره راهنمایی و اوایل دوره دبیرستان آگاهانه‌تر و با توجه به توانایی‌ها و علایق خود رشته‌ای را برگزینند. با این اقدام از شکل‌گیری نگرش منفی در موقعیت‌های تحصیلی جلوگیری می‌شود و نگرش مثبت به یک پدیده، می‌تواند شاگرد را نسبت به میزان فعالیت و تلاشش، در آن امر تحت تأثیر قرار دهد و او را به انجام وظایف و مسئولیت‌هایش در قبال آن وادار نماید. در صورتی که نگرش منفی عکس این امر را به وجود می‌آورد؛ یعنی فرد به دلیل عدم رضایت از کار و فعالیت مورد نظر از زیر بار مسئولیت شانه خالی می‌کند. بنابراین شاگرد وقتی فعال است که نسبت به رشته تحصیلی خود نگرشی مثبت داشته باشد. (گلدارد، ۱۳۹۰: ۳۹)

۳. اهمیت پیشرفت تحصیلی

پیشرفت تحصیلی شاگردان یکی از معیارهای مهم در ارزشیابی تعلیم و تربیه است و تمام کوشش‌ها در این نظام، در واقع تلاش برای جامعه عمل پوشاندن به این امر است. به طور اعم «کل جامعه و به طور اخص نظام تعلیم و تربیه نسبت به سرنوشت طفلان، رشد و تکامل موفقیت‌آمیز آنان جایگاه آن‌ها در جامعه علاقه‌مند و نگران



است و انتظار دارد شاگردان در جوانب گوناگون، اعم از ابعاد شناختی و کسب مهارت و توانایی‌ها و نیز در ابعاد عاطفی و شخصیتی، آن‌چنان‌که باید پیشرفت و تعالی یابند». (پورشافعی، ۱۳۷۰: ۴۰)

بدون شک در دنیای پیشرفته امروزی «یکی از علایم موفقیت فرد، پیشرفت تحصیلی است که بدون آن توسعه و ترقی هیچ کشوری امکان‌پذیر نخواهد بود. ترقی هر کشوری، رابطه مستقیم با پیشرفت علوم و دانش و تکنولوژی آن کشور دارد. پیشرفت علمی نیز حاصل نمی‌شود، مگر اینکه افراد خلاق تربیت شده باشند. پیشرفت تحصیلی ضمن اینکه در توسعه و آبادانی کشور مؤثر است، در سطوح عالی منجر به یافتن شغل و موقعیت مناسب و در نتیجه درآمد کافی می‌شود. شاگردان که از موقعیت‌های تحصیلی برخوردارند، در خانواده و جامعه با دیده احترام نگریسته می‌شوند. لذا آنان در جامعه با روحیه و نشاط بیشتری حضور خواهند یافت و در کنار این‌ها، از هزینه‌های گزافی که از افت تحصیلی بر تعلیم و تربیه تحمیل می‌شود، کاسته خواهد شد. دستیابی به بهره‌وری و بهبود کیفیت، نظام یادگیری را می‌توان اثرگذارترین عامل در توسعه کشورها دانست». تجارب کشورهای پیشرفته‌ای چون جاپان در زمینه توسعه همه‌جانبه نیز حکایت از سرمایه‌گذاری بر روی منابع یادگیری و انسانی دارد. در راستای دستیابی به این اهداف «بهبود کیفیت موقعیت تحصیلی از جمله اهداف اساسی برنامه‌های یادگیری است. در حالی که امروزه افت تحصیلی، یکی از نگرانی‌های خانواده‌ها و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت است. از جمله موضوعات موردعلاقه، صاحب‌نظران علوم تربیتی یافتن شرایط و امکانات لازم و مؤثر در جهت تحصیلی موفق و پیشرفت تحصیلی است»؛ اما عدم موفقیت در تحصیل عامل اصلی و زمینه‌ساز مشکلات فردی و اجتماعی و انحراف از دستیابی به اهداف سیستم آموزشی است.

محققین عوامل مختلفی را در پیشرفت تحصیلی شاگردان، دخیل دانسته‌اند که با توجه به «تفاوت‌های فرهنگی و تغییرات سریع عامل‌ها در طول زمان نمی‌توان آن را به‌عنوان یک قانون عمومی و کلی، علل خاصی را برای جوامع مطرح نمود؛ زیرا

قوانین، بافت فرهنگی، نگرش مردم به تحصیلات، سطح درآمد والدین و غیره، همه از عواملی هستند که به‌طور اخص در یک جامعه بر شکست یا پیشرفت تحصیلی تأثیر می‌گذارند». منابع موجود نشان می‌دهد که «آموزش به‌طور کلی تحت تأثیر پنج عامل فراگیر، آموزشگر، برنامه، تجهیزات و محیط یادگیری است که هر یک از عوامل مذکور، دارای ویژگی‌هایی است که می‌توانند در پیشرفت تحصیلی و یادگیری، تأثیرات متفاوتی داشته باشند». (عزیزیان، ۱۳۹۶: ۵۴۹)

هر فرد برای ورود به اجتماع و در نتیجه رویارویی با موقعیت‌های گوناگون و افراد مختلف (از نظر فرهنگی، اقتصادی) به پاره‌ای از ابزار مجهز شده است. «این ابزارهای فردی را می‌توان ساختارهای روانی فرد دانست که می‌توانند او را در مقابله با رویدادهای زندگی یاری رسانند. این ساختارهای روانی به‌طور متقابل، تحت تأثیر عوامل مختلفی مانند خانواده، اجتماع، گروه همسالان و غیره قرار دارد آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به همین دلیل محققان همواره به تأثیرات این مؤلفه‌های روانی بر جنبه‌های گوناگون زندگی افراد توجه بسیاری کرده‌اند که از این میان به تأثیر این مؤلفه‌ها بر عملکرد شغلی، تحصیلی و اجتماعی می‌توان اشاره کرد». (صلح‌جو، ۱۳۹۷: ۷۸۴)

در این میان «پیشرفت تحصیلی بیشتر از سایر متغیرها، مورد توجه روانشناسان قرار گرفته است؛ زیرا به نظر می‌رسد آنچه می‌تواند یک فرد، خانواده و در نهایت یک کشور را بیش از همه چیز در مسیر پیشرفت، یاری دهد، بهره‌مندی از افرادی است که نه تنها دارای سلامت روانی مناسبی هستند، بلکه در امر آموزش نیز تحصیلات خود را با موفقیت پشت سر گذاشته‌اند. در این میان آگاهی از جنبه‌های روانی شاگردان می‌تواند همانند یک ابزار کمک یادگیری قدرتمند عمل کند. برای نمونه فهمیدن این نکته که شاگرد در شرایطی خاص چگونه رفتار می‌کند، می‌تواند منجر به افزایش تأثیرگذاری ابزارهای یادگیری و همچنین روش‌های یادگیری معلم و سیستم یادگیری و پرورش و در نهایت پیشرفت تحصیلی شاگردان گردد». (عزیزیان، ۱۳۹۶: ۵۴۰)



۴. انواع پیشرفت تحصیلی

موفقیت یا پیشرفت تعلیمی از دید هر کس تعریف متفاوتی دارد. در اینجا این تعاریف را از نظر شاگردان، کنکور و شاگردان بررسی خواهیم کرد.

۴-۱. پیشرفت تعلیمی شاگردان

تعریفی که یک شاگرد از پیشرفت تعلیمی می‌تواند داشته باشد، نهایتاً کسب نمره ۱۰۰ یا تشویق شدن در میان هم‌صنفان است. اوج موفقیت در دوران مرحله متوسطه به بعد، هم قبولی در مکاتب تیزهوشان و استعدادهای درخشان است که باعث رقم خوردن اتفاقات عالی برای خود شاگرد و خانواده‌اش می‌شود. موفقیت‌هایی که در آینده ممکن است خیلی هم به چشم نیایند؛ اما نمی‌توان آن‌ها را بی‌اهمیت جلوه داد. چون از همین اتفاقات خوب کوچک است که در آینده موفقیت‌های بزرگ حاصل می‌شود.

۴-۲. موفقیت در کنکور

کنکور مرحله مهم بعدی زندگی یک شاگرد است. مرحله‌ای که شاید برای خانواده هم از اهمیت بالایی برخوردار باشد. چون بالآخره آینده تعلیمی و حتی شغلی فرد را مشخص و تعیین می‌کند.

برای موفقیت در کنکور، روش‌ها و اختلافات زیادی میان شاگردان صاحب سبک وجود دارد. البته نه در حیطه روانشناسی، بلکه در حیطه درسی و مهارتی آن. به هر حال هر موضوعی یک بخش مهارتی دارد و یک بخش روانشناسی که در بخش دوم، نظرات معمولاً مشترک است.

۴-۳. پیشرفت تعلیمی در دانشگاه

بعد از کنکور، به مرحله‌ای می‌رسیم که دیگر نمی‌توان تعریفی مشخص برای موفقیت در آن اشاره کرد و آن، پیشرفت تعلیمی در دانشگاه است. شاگردان در این زمان با دید بازتری به زندگی و درس و تعلیم نگاه می‌کنند و هرکس، تعریف خاص خود را از پیشرفت تعلیمی دارد. یک نفر فقط می‌خواهد که زودتر از شر درس راحت

شود و مدرکش را بگیرد. یکی هم درس می‌خواند تا به شغل و زندگی بهتر برسد و یکی هم هدف خاصی ندارد. پس موفقیت شاگردان را در درس نمی‌توان پیش‌بینی کرد؛ زیرا بسته به هر فرد، تغییر می‌کند.

۵. باسواد یا بی‌سواد بودن والدین و تأثیر آن بر پیشرفت تربیتی و تعلیمی فرزندان

رفتار و عملکرد اجتماعی، عاطفی و عقلانی کودک و به‌طور کلی، چگونگی شکل‌گیری شخصیت او تحت عوامل بی‌شماری قرار دارد که هر یک به نحوی خاص نقش خود را در این زمینه ایفا می‌کند. در این میان خانواده و خصوصاً پدر و مادر با تمام ویژگی‌ها و عملکرد خاص خود بالاترین سهم را در این مهم عهده‌دارند؛ زیرا طرح اساسی و زیربنای شخصیت کودک در اولین سال‌های زندگی و در میان اعضای خانواده شکل می‌گیرد و پدر و مادر دانسته یا ندانسته به‌عنوان طراح و بنیان‌گذار شخصیت کودک، چگونه زیستن و چگونه بودن او در سال‌های پرفراز و نشیب آینده، از همان آغاز زندگی تعیین می‌کنند. (احمدی، ۱۳۸۵: ۱۹)

تحصیلات والدین می‌تواند نقش مهمی در امر تربیت فرزندان داشته باشد؛ زیرا والدین تحصیل کرده به دلیل احراز شغل بهتر و مفیدتر، به خودی خود از فرهنگ بالاتر و محیط و موقعیت بهتری برخوردارند. این برخورداری از موقعیت خوب اجتماعی، به‌نوبه خود تأثیر روی نگرش فرزندان نسبت به والدین و احساس و امنیت و اعتماد به نفس آن‌ها می‌شود و در نتیجه بهتر می‌توانند با محیط خود ارتباط برقرار کنند. همین امر موجب رشد و شکوفایی استعداد آن‌ها می‌شود. کودکی که والدینش تحصیلات خوبی ندارند، نه‌تنها نمی‌تواند به وجود آن‌ها افتخار کند، بلکه احساس حقارت می‌کند و ارتباط و تعاملش از سایرین کمتر است. البته تحصیلات به تنهایی نمی‌تواند عامل پیشرفت فرد محسوب شود؛ اما از آنجا که شغل و سطح اجتماعی والدین نیز رابطه مستقیمی با پیشرفت تحصیلی فرزندان دارد، ملاک انتخاب تحصیلات والدین و تأثیری که بر روی پیشرفت تحصیلی فرزند می‌گذارد، به این دلیل منظور شده است. کودکی که در کنار بزرگسالان تحصیل کرده و اهل



مطالعه و با حوصله پرورش می‌یابد، مسلماً پیشرفت تحصیلی او از سایر کودکانی که از چنین مساعده بی‌بهره‌اند، به مراتب بالاتر است. امروز در کلیه جوامع بشری، افزایش جمعیت یکی از مشکلات اساسی است و ازدیاد روزافزون آن، جامعه را تهدید می‌کند و در نتیجه توجه اصلی پژوهشگران و صاحب نظران علوم تربیتی و اجتماعی را به خود جلب کرده است. ازدیاد بی‌رویه جمعیت خانواده‌ها باعث می‌شود که کودکان به خوبی رشد نکنند و تربیت درستی بر روی آن‌ها انجام نگیرد. خانواده‌هایی که تعدادشان زیاد است احتمال به انحراف کشیدن کودکانشان به مراتب بیشتر است. میزان بهره‌هوشی در میان خانواده‌هایی کم جمعیت، به مراتب بیش از بهره‌هوشی خانواده‌های پر جمعیت است. پدر و مادر نخستین آموزگاران فرزندان خویشند؛ زیرا آنان در آموزش‌شده خانواده، انسان‌های شایسته و والامقام یا مفسدان جامعه خراب‌کن را تعلیم و تربیت می‌کنند. آرزوی داشتن مدینه فاضله، زمانی تحقق می‌یابد که خانواده به رسالت عظیم خویش در زمینه اهداف پرورش فرزند، آگاهی یافته و بدان عمل کند. (مؤمنی، ۱۳۷۱: ۳۰)

۵-۱. نقش مادر

چه بسا غلط‌ها و اشتباهات اولیه که مادام‌العمر به علت بدآموزی و اشتباه مادر در ذهن کودک باقی می‌ماند. نقش مادر در این زمینه بسیار قابل توجه است؛ مادر نخستین کلمات را بر زبان کودک می‌گذارد. تلفظ درست لغات در جای آن دادن اطلاعات و آگاهی‌های اصل و دور از خرافات از زمینه‌های وظیفه‌ای مادر است. در جنبه علمی لازم نیست مادر حتماً زنی دانشمند و مخترع و دارای تحصیلات عالی باشد، ولی دانستن ولو کم دامنه لازم است تا جلوی برخی از ندانم‌کاری‌ها را بگیرد و از اتلاف سرمایه‌های ملی جلوگیری نماید. خانواده را از نعمت سلامت بهره‌دهد و لایق رهبری کودک باشد. کودکان مخصوصاً در دوره ابتدایی خود را با مادر و معلم خود را با مادر مقایسه می‌کنند و چه بسا بدبینی‌ها، بی‌توجهی‌ها، فاصله گرفتن‌های فرزندان با مادران از آن زمان پایه‌گذاری شود. بدین‌سان لازم است وسعت فکر و هوش و فراست، مال‌اندیشی مادران با دانستن ولو سطحی همراه باشد. نقش مادر به‌خصوص



در شرایطی که پدران حضور کمتری در خانه دارند، در سطح فکری خانواده بسیار مهم‌تر است. این موضوع شاید خلاف تصور عده‌ای باشد که در مسائل فکری خانواده نقش پدر را مهم‌تر می‌دانند. شاید خود مادران هم تصور نکنند که چقدر در سطح فکری و فرهنگی خانواده می‌توانند مؤثر باشند. یادآور می‌شود که سطح فکری فقط به معنای سطح تحصیلات نیست و عوامل دیگری در این خصوص مؤثرند. (قائمی، ۱۳۵۶: ۵۹)

۵-۲. نقش پدر

نادانی زمینه‌ساز بسیاری از عملکردهای ناپسند و انحرافات خانوادگی و اجتماعی است. آدمی وقتی به دنیا می‌آید جاهل است. عوامل متعددی باید باشد تا زمینه‌های آگاهی و دانایی را ذهن و اندیشه انسان فراهم کند. یکی از کسانی که می‌تواند این وظیفه سنگین را در این جهت بر عهده بگیرد، پدر است. او می‌تواند با راهنمایی و جهت دادن و ایجاد و تهیه امکانات لازم، برای کودک او را یاری رساند که آگاهی‌های لازم را به دست آورد و توانا شود. کودک نیازمند آن است که مشی روشنی توأم با آگاهی در پیش بگیرد و چگونگی موضع‌گیری در مورد زندگی و اشیای پیرامون را با علم کسب کند. در این راه پدر می‌تواند نقش زیر بنایی و ریشه‌ای داشته باشد. پدر می‌تواند علاوه بر پدر بودن، یک معلم فداکار نیز باشد. کودک آنچه را که نمی‌داند، از پدر می‌پرسد و قصد کودک این است که پدر همه‌چیز را می‌داند و از آنچه در جهان می‌گذرد اطلاع دارد. پدر برای کودک درس ادب و انضباط، فداکاری و گذشت و علم و اخلاق را باید عملاً در برداشته باشد تا کودک با همانندسازی و پرسش به رشد از طریق پدر برسد. پدر با همکاری و رفت و آمد در مدرسه باید تلاش کند که زمینه را هرچه بهتر، مناسب تربیت فرزندش فراهم کند و با همکاری و همیاری با مسئولین رشد، فرزندش را برای یادگیری و آگاهی تسریع کند و کمی و کاستی را با مشورت و همفکری از پیش پا بردارد. پدر باید انتظارات و توقعات خود را بر اساس ظرفیت و توانایی کودک بنا گذارد و خود حوصله آن را داشته باشد که کمبودها را به طریق منطقی و عقلانی رفع کند و اشکالاتی را که در امور مختلف احتمال دارد در راه



تربیت به وجود آید به صورتی معقول رفع کند. (نجاتی، ۱۳۷۱: ۱۵۹)

۶. انواع خانواده و تأثیر آن بر پیشرفت تحصیلی فرزند

این مبحث می‌خواهد ما را با انواع خانواده‌ها و روش‌های تربیت در آن آشنا کرده و در ضمن از نکات مثبت و منفی آن‌ها آگاه نماید و سپس به ما به‌عنوان یک معلم و یا به‌عنوان یک ولی چگونگی اصلاح روش‌های ناصحیح تربیتی را گوشزد نماید و به‌طرف نکات مثبت رهنمون گرداند. در حالت کلی چهار نوع خانواده مورد بحث است؛ خانواده آزاد، خانواده مستبد، خانواده طرد شده، خانواده پذیرنده.

خانواده آزاد خانواده‌ای است که اعضای آن اختیار تام برای انجام هر عملی را دارند و هیچ‌گونه محدودیت و قیدی در انجام اعمال وجود ندارد. در این نوع خانواده، فرزندان خانواده زمان به خصوصی برای رفت و آمد از خانه را ندارند و هرگونه امکاناتی بخواهند، خانواده در اختیار آنان قرار می‌دهد. بچه‌هایی که در این نوع خانواده‌ها تربیت می‌شوند، هیچ‌گونه مسئولیت و قیدی را در مقابل مسائل اجتماعی نمی‌پذیرند و از جامعه، مدرسه و محیط کار خود همان انتظار خانواده را می‌طلبند. در صورت ایجاد مشکل و مسئله، احساس دل‌سردی و نومیدی می‌کنند و در مدرسه خواهان احساس برتری‌طلبی و سلطه‌جویی هستند. به این‌گونه خانواده‌ها، خانواده‌های فرزند سالاری نیز می‌گویند.

نوع دوم خانواده استبدادی یا خانواده پدرسالاری یا مادر سالاری است. در این نوع خانواده‌ها بچه‌ها باید گوش به فرمان باشند. کودکان این خانواده‌ها اعتماد به نفس ندارند و همیشه مطیع بار می‌آیند و در جامعه کمتر می‌توانند در قبال مسئولیت‌ها به خود متکی باشند و فرزندان این خانواده‌ها کمتر می‌توانند نقش رهبری را در جامعه به عهده بگیرند. همیشه اضطراب درونی و احساس حقارت، تمام وجود آن‌ها را پوشش داده و در مدرسه نیز کمتر به خود متکی هستند.

نوع سوم خانواده طرد شده است که بیشتر در خانواده‌هایی با فرزندان زیاد یا بچه‌های ناخواسته دیده می‌شود. در این خانواده بچه‌ها مثل خانواده آزاد می‌توانند

همه کار انجام دهند، ولی مثل خانواده آزاد کلیه امکانات و شرایط برای آن‌ها فراهم نیست. کودکان چنین خانواده‌هایی، لاابالی و بی‌قید بار می‌آیند و هیچ برنامه ثابت در زندگی خود ندارند و از زیر بار مسئولیت و نظم طفره می‌روند.

نوع چهارم که خانواده ایدئال و مورد نظر این طرح است، خانواده متعادل یا پذیرنده است. در این خانواده نظم، ثبات، دوام، عدالت، عشق و محبت جاری بوده و هرکدام از اعضای خانواده ارزش و حرمت و وظیفه خود را قبول کرده و در انجام وظایف خود مسئولیت می‌پذیرند و یک جو همکاری صحیح بین اعضای خانواده وجود دارد. هیچ‌وقت در خانواده تهدید به طلاق و جدایی وجود ندارد و پرخاشجویی و سخنان رکیک رد و بدل نمی‌شود. مادر سمبل محبت و عشق بوده و پدر سمبل عدالت در بین اعضای خانواده است. (ملکی، ۱۳۷۸: ۷۱)

نتیجه‌گیری

پیشرفت تحصیلی به عوامل مختلفی بستگی دارد. بررسی این عوامل و تعیین سهم هر یک در پیشرفت تحصیلی، به تعیین راهکارهایی برای شناخت عوامل مؤثر بر موفقیت و پایین آمدن تحصیلی منجر خواهد شد. شناسایی این عوامل موجب تسهیل آماده سازی فراگیران برای ورود به مرحله تحصیلات عالی و عملکرد تحصیلی بهتر آن‌ها در دانشگاه و جبران کاهش تعداد شاگردان فارغ‌التحصیل و در نهایت اصلاح نرخ شکست و برنامه‌ریزی برای کاهش تکرار دوره در شاگردان شده و به برنامه‌ریزان تعلیمی کمک می‌کند تا عوامل مثبت اثرگذار را بهبود بخشند و از تأثیر عوامل منفی بکاهند. منابع نشان می‌دهد که عواملی چون شاگرد، استاد، برنامه، تجهیزات و محیط تعلیمی می‌توانند تأثیرات متفاوتی بر پیشرفت تحصیلی و یادگیری شاگردان داشته باشند. در مطالعات بسیاری سعی شده تا عوامل مؤثر بر پایین آمدن تحصیلی در شاگردان کشور بررسی شود. برخی از این عوامل متغیرهایی نظیر سن بالا، جنسیت مذکر، سکونت در خوابگاه، غیر بومی بودن، اشتغال پاره‌وقت، متأهل بودن، پایین بودن سطح سواد والدین، معدل پایین دوران متوسطه، فاصله زیاد بین



اخذ دیپلم تا ورود به دانشگاه، استفاده از سهمیه‌های دولتی برای برخی از خانواده‌ها، میزان علاقه و انگیزه ناکافی به رشته تحصیلی و عدم امیدواری به آینده شغلی، ابتلا به افسردگی، عزت نفس پایین، تحصیل در دوره شبانه، عدم برنامه‌ریزی برای مطالعه، عدم مشاوره تحصیلی، عدم حضور در صنف درس و... را شامل می‌شود. حال با توجه به موارد ذکر شده در بالا، سطح سواد والدین یکی از عواملی است که می‌تواند با پیشرفت تحصیلی فرزندان ارتباط داشته باشد.

تحصیلات والدین، سرآغاز و زیربنای پیشرفت جریان زندگی خانواده و جامعه است. اهمیت تحصیلات، صاحب‌نظران تعلیم و تربیت را به تلاش برای کشف مهم‌ترین عوامل مؤثر در پیشرفت و یا افت وضعیت رفتاری و درسی، وادار نموده است. با توجه به نتایج حاصله از پژوهش حاضر، می‌توان گفت که تحصیلات والدین در برقراری عدالت و دوری از تبعیض و اختلاف ناعادلانه و ناروا بین فرزندان و ایجاد نزدیکی و صمیمیت واقعی و تعامل و گرمی روابط بین اعضا خانواده، بسیار مؤثر و سرنوشت‌ساز است. به‌طور کلی، نقش تحصیلات والدین، در تربیت فرزندان و جلوگیری از بروز ناهنجاری‌ها و بزهکاری‌ها، رعایت نظم و انضباط در خانه و مدرسه و جامعه، رشد شخصیت و اعتماد به نفس و عزت نفس و دوری از لغزش‌ها، داشتن هدف در زندگی، توانایی در برقراری روابط محبت‌آمیز و برخورد خو و مؤدبانه با دوستان و همکلاسی‌ها و معلمان، پرورش احساس مسئولیت در برابر خانواده و جامعه، رعایت بهداشت فردی و نظافت عمومی، نگهداری و حفظ منابع طبیعی و اموال عمومی و... بسیار حساس و مهم است. والد بی‌سوادی در تمام ابعاد زندگی انسان می‌تواند تأثیر بسزایی داشته باشید، مخصوصاً در بهداشت، رشد اقتصادی، رشد فرهنگی، رشد و تربیت فرزندان، بی‌نظمی و ناهنجاری کودکان، رشد اشتغال و غیره مطالعات نشان داده است که هرچه آسیب‌های روانی بیشتر باشد، موقعیت اجتماعی شخص را پایین‌تر می‌آورد و عواملی چون فقر، بی‌کاری، تعداد فرزندان، اعتیاد، طلاق و... که همه موجب پایین آمدن موقعیت اجتماعی و فرهنگی شخص می‌شود و آشفتگی‌ها یا آسیب‌های روانی را به وجود می‌آورد، معمولاً افرادی که در

سطح پایین اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زندگی می‌کنند، سطح تحصیلات کمتری نسبت به افراد همسال خود دارند و میزان تحصیلات در این خانواده‌ها به شدت اُفت پیدا می‌کند. در حقیقت در برخی از این خانواده‌ها، سواد مقوله بیگانه‌ای است. تأثیر عمیقی که این موقعیت اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی پایین، بر روی افراد خانواده و جامعه برجا می‌گذارد، موجب بی‌نظمی و آشفتگی روانی می‌گردد، البته این آشفتگی روانی را در طبقات مختلف جامعه می‌توان دید. شیوه‌های انحرافی ایجاد علائم روانی بیماری، اقدام به خودکشی، قطع ارتباط با واقعیت، در طبقات پایین اجتماع، بیشتر دیده می‌شود. مسائل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، به‌عنوان پیش‌فرض این مشکل مطرح است. در افغانستان سواد و تحصیلات را به‌عنوان یک متغیر ملاک، لحاظ نموده که قابل‌سنجش بیشتری است.



فهرست منابع

۱. احمدی، محمدرضا، (۱۳۸۵)، مبانی روان‌شناختی ارتباط مؤثر والدین با فرزندان در محیط خانواده، معرفت، ش ۱۰۴، ص ۱۸-۲۵.
۲. بیابان‌گرد، اسماعیل، (۱۳۷۵)، روش‌های پیشگیری از افت تحصیلی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات رشد.
۳. پورشافعی، هادی، (۱۳۷۰)، «بررسی رابطه عزت‌نفس با پیشرفت تحصیلی شاگردان سال سوم دوره متوسط شهرستان قائن»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت‌معلم.
۴. جمشید زهی، عبدالرزاق؛ جمشید زهی، عبدالستار، (۱۳۹۸)، روش تدریس مشارکتی و پیشرفت تحصیلی شاگردان، تهران: هنر و علوم دانشگاهی.
۵. سیف، علی‌اکبر، (۱۳۷۳)، اندازه‌گیری و ارزشیابی پیشرفت تحصیلی، چاپ هشتم، تهران: انتشارات آگاه.
۶. صلح‌جو، رقیه، (۱۳۹۷)، عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی شاگردان، تهران: انتشارات سنجش و دانش.
۷. عزیزیان، امین، (۱۳۹۶)، بررسی عوامل مؤثر در پیشرفت تحصیلی شاگردان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۸. قائمی، علی، (۱۳۵۶)، نقش ما در تربیت، قم: دارالتعلیم.
۹. کاشفی، عاطفه، (۱۳۹۱)، انگیزه و پیشرفت تحصیلی، تهران: راز نهران.
۱۰. گلدارد، دیوید، (۱۳۹۰)، مفاهیم و مباحث تخصصی در مشاوره، آموزش و کاربرد مهارت‌های خرد در مشاوره، سیمین حسینیان، چ چهاردهم، تهران: دیدار.
۱۱. ملکی، حسن، (۱۳۷۸)، چگونه با تفاهم زندگی کنیم (برای زوج‌های جوان و خانواده‌ها)، چ سوم، زنجان: انتشارات نیکان.
۱۲. مؤمنی، محترم، (۱۳۷۱)، چگونه شخصیت فرزندان خود را پرورش دهیم، تهران: مؤسسه تحقیقاتی و انتشاراتی نور.



۱۳. نجاتی، حسین، (۱۳۷۱)، نقش تربیتی پدر در خانواده، تهران: انتشارات چاپار فرزادگان.
14. Wilson, L. C., Rholes, W. S., Simpson, J. A., & Tran, S. (2007). Labor, delivery, and early parenthood: An attachment theory perspective. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 33, 505-518.